

# نقش و عملکرد مسجد در تربیت

عبدالرضا ضرابی

مقدمه

باید با مداخله در متغیرهایی که موجب تغییر در تعادل نیاز ارزشی مردم شده است، این تعادل را به سوی برتری نسبی نیازها و ارزشهای جمعی و متعالی هدایت کرد. اگر بتوانیم فاصله میان واقعیتها و آرمانها را کاهش دهیم، میزان فقر را به حداقل برسانیم، سطح انتظار مردم را از زندگی به گونه ای نسبی کاهش دهیم و نهادهای ارشادی و تبلیغی خود را فعال سازیم، به نتیجه خواهیم رسید.

مقاله حاضر به بررسی اجمالی «نقش و عملکرد مسجد» با عنایت به نقش مسجد در تربیت نسل جوان می پردازد.

## نقش و اهمیت مسجد در اسلام

در فرهنگ دینی، نام مسجد یادآور بندگی و کرنش در پیشگاه خداوند متعال است. مسجد به معنای جایگاه سجده؛ و سجده، اوج عبادت و بندگی انسان برای خداست: «السجود منتهی العبادة من بنی آدم». در حقیقت، برترین و اصیلترین محل برای عبادت و تقرب جستن به خداوند متعال، مسجد است. بنابراین، در قرآن کریم بر جنبه های عبادی مسجد، بیش از هر بعد دیگری تکیه شده است.

مسجد، جایگاه عبادت و پرستش خالصانه خداوند است: «و ان المساجد لله فلا تدعوا مع الله احداً» [جن/۱۸]. مسجد، جایگاه زمزمه و نجوای صادقانه با معبود است: «و اقیموا وجوهکم عند کل مسجد و ادعوه مخلصین له الدین» [حج/۴]. مسجد، پایگاه عروج انسان از خاک به افلاک است: «سبحان الذی اسرى بعبده لیلاً من المسجد الحرام الی المسجد الاقصی» [اسراء/۱]. مسجد، زیارتگاه خاص خداوند است: «الا

مشاهدات تجربی، اظهارات دست اندرکاران امور مساجد و مصاحبه های اکتشافی اولیه با چند تن از مردم عادی و برخی افراد فعال در مساجد، نشان می دهد که حضور مردم در مساجد نسبت به دوران انقلاب (۱۳۵۶ - ۱۳۵۷) و سالهای ابتدایی پس از پیروزی انقلاب (۱۳۵۸ - ۱۳۶۰)، کاهش یافته است. بنابراین، اکنون به صورت جدی، این سؤال مطرح است که دلایل این کاهش حضور چیست؟ چرا صفوف نماز جماعت خلوت است؟ چرا شور و نشاط اواخر دهه پنجاه، در مساجد دیده نمی شود؟ چرا از کتابخانه های مساجد، کلاسها، سخنرانیها و دیگر فعالیتهای مساجد استقبال نمی شود؟

در تحلیل پدیده کاهش حضور در مساجد، اولین دلیل عمده، مقطعی بودن بعضی از نیازها در دوران رونق است. طی دهه های چهل و پنجاه، به دنبال مجموعه ای از تحولات اجتماعی و فرهنگی، یک خواسته و نیاز جمعی در میان مردم پدید آمد: «برچیده شدن نظام شاهنشاهی و ایجاد حاکمیت اسلام». کاهش حضور در مساجد در دوره رکود نسبی، تا اندازه ای به این دلیل بود که با پیروزی انقلاب و نیز با خنثی شدن بسیاری از توطئه های پس از انقلاب، نیازهای مذکور منتفی شده بود.

برای این قسمت از تحلیل، نمی توان نتایج کاربردی ارائه داد؛ زیرا نیازهای مقطعی یاد شده، مربوط به همان دوره خاص بوده است و نمی توان و نباید آنها را در همان شکل سابق احیا کرد. اما یادآوری آن، این فایده را دارد که برخی از دلایل پدیده کاهش حضور را آشکار و قابل فهم می سازد. بر مبنای این تحلیل، برای افزایش حضور مردم در مساجد،

نیازهای جسمی و روانی خود را به طور منطقی پاسخ گوید، شخصیتی متعادل می‌یابد.

عبادت و راز و نیاز با خداوند، نیاز واقعی و فطری هر انسان، و مکمل، بلکه مقوم شخصیت او است. اگرچه عبادت در هر مکانی این نیاز روحی را به طور نسبی تأمین می‌کند، ولی این نیاز در مسجد و عبادتگاه بهتر و کاملتر تأمین می‌شود. بر این پایه، انسان بنا به فطرت خویش، معبد و مسجد را دوست می‌دارد و بدان عشق می‌ورزد.

پژوهشهای تاریخی نشان می‌دهد که معبد با انسان، همراه و همزاد بوده است. از این رو، معصومان(ع) در سخنان خویش، مسجد را آشیانه و پناهگاه مؤمن برشمرده‌اند؛ پناهگاهی که انسان در آن از دغدغه و اضطراب فاصله می‌گیرد، و به آرامش و سکون دست می‌یابد. امام صادق(ع) به مسلمانان سفارش می‌کند که هنگام رویارویی با مشکلات و اندوههای دنیوی، به نماز و مسجد پناه ببرند. بدین روی، از یک نگاه، جنبه‌های عبادی مسجد را می‌توان در شمار نقش تربیتی آن نیز به شمار آورد.

مسجد با ایجاد آشنایی و پیوند میان مؤمن با نخبگان و صالحان جامعه، بستری مناسب برای پرورش و تربیت روحی - اجتماعی وی فراهم می‌کند. در مکتب تربیتی اسلام و بسیاری از مکتبهای تربیتی دیگر، «انزواطلبی» و «جمع‌گریزی» بیماری روحی شناخته می‌شوند. در حالی که اجتماعی بودن و جمعگرایی - در حد معقول آن - نشانه سلامت روح و روان انسان و تعادل فکری او به حساب می‌آید. مسجد با فراخوانی پیوسته مسلمانان به جمع، روح جمعگرایی، انعطاف و نظم‌پذیری را در آنان تقویت می‌کند. افزون بر آنچه گذشت، مسجد معمولاً جایگاه طرح مشکلات و مباحث اجتماعی است و به طور طبیعی، با حضور در چنین مکانی، روح تعهد و دردمندی در فرد ایجاد می‌شود. آنچه اکنون به عنوان معبد در دیگر ادیان مطرح است، ارتباطی عمیق و ریشه دار با جامعه و مسائل اجتماعی ندارد. اما مسجد در ارتباط با مسائل اساسی و بنیادین جامعه، نهادی مؤثر و دارای جایگاه است. مسجد، کانون رایزنی و مشورت است. خداوند متعال پیامبر خویش را فرمان داد تا در کارهای مهم، با مردم مشورت کند: «و مشاورهم فی الامر» [آل عمران/ 159]. مسجد، پایگاهی است که رسیدن بدین مهم را عملی می‌سازند. از این رو، نویسندگانی که مسجد را «مجلس شورای مسلمانان» نام نهاده‌اند، سخنی گزاف نگفته‌اند.

رسم مسلمانان در زمان پیامبر(ص)، این بود که هرگاه حادثه‌ای مهم رخ می‌داد، منادی ندا می‌داد: «الصلاة جامعة» (برای نماز جمع‌کننده است). این جمله برای مردم آن زمان معنایی خاص داشت. مسلمانان از این ندا می‌فهمیدند که یک امر الهی مطرح است.

ابن سعد در الطبقات الکبری به نقل از سعید بن مسیب گفته است: «پیش از تشریح اذان، مردم را با ندای «الصلاة جامعة» به مسجد و نماز جماعت فرا می‌خواندند. پس از آنکه اذان تشریح شد، با جمله مزبور، مردم را در غیر اوقات نماز، برای کارهای مهم به مسجد فرا می‌خواندند». شواهد گویایی نشان می‌دهد که



مسجد سلیمیة، ادرنه، ترکیه

طوبی لعبد توفی فی بیته ثم زارنی فی بیتی» (خوشا به حال بنده‌ای که در خانه خویش وضو بگیرد، آنگاه مرا در خانه‌ام زیارت کند). انوار تابناک و بی‌آلایش پرستش در مسجد، برای عرش نشینان پرتوافکنی می‌کند. انسان که ستارگان آسمان برای ما خاک نشینان نورافشانی می‌کنند: «ان بیوتی فی الارض المساجد تضيء لاهل السماء كما تضيء النجوم لاهل الارض». یکی از نقشهای اساسی مسجد، فراهم کردن زمینه عبادت پر حضور و خالصانه است تا مؤمنان در آنجا با پرداختن به نماز، ذکر و دعا، زنگار غفلت از دل و جان بشویند و با خداوند متعال - به معنای واقعی کلمه - انس بگیرند.

ابعاد تربیتی مسجد، به گونه‌ای با ابعاد عبادی آن مرتبط است؛ زیرا عبادت، پرورش دهنده روح و روان آدمی بوده و پاسخ به آن در واقع، پاسخ به یک نیاز طبیعی و مهم او است. کسی که

مسلمانان حتی در خصوص مسائل نظامی، در مسجد به مشورت می‌پرداختند.

مسجد، خانه‌آشنایی با دردها و مشکلات اجتماعی و چاره‌اندیشی برای رفع آنهاست. امام خمینی(ره) در گفتاری، با تأکید بر این نقش مسجد، می‌فرماید: «این مسجد الحرام و مساجد دیگر در زمان رسول اکرم(ص)، مرکز جنگها و سیاستها و مرکز امور اجتماعی و سیاسی بوده؛ این طور نبوده است در مسجد پیامبر، همان مسائل عبادی نماز و روزه باشد؛ مسائل سیاسی اش بیشتر بوده. اسلام می‌خواهد که مردم آگاهانه برای مصالح مسلمین، در آنجا فعالیت کنند.»

مسجد، پایگاه عمومی مسلمانان و محل حضور قشرهای گوناگون است. از این رو، مسجد جایگاه مناسبی برای تعاون اجتماعی مسلمانان و مشارکت آنان در رفع نارساییهای اجتماعی به شمار می‌رود. مسجد در جایگاه اصیل خود، یک الگوی ارزشگذاری است، ارزشهای فراموش شده، در مسجد مطرح می‌شود. در مسجد پیامبر(ص)، گاهی کسانی یافت می‌شدند که نه تنها از جهاد و ایثار بویی نبرده بودند، بلکه از راههای گوناگون، نفاق و دودستگی را در جامعه ترویج می‌نمودند و

عملاً با پیامبر(ص) به رویارویی می‌پرداختند. اما با این حال، انتظار داشتند در مسجد جایگاهی والا داشته باشند. امین الاسلام طبرسی در تفسیر خود، می‌نویسد: عده‌ای از «مؤلفه قلوبهم» نزد پیامبر(ص) آمدند و درخواست کردند که پیامبر(ص) در بالای مجلس بنشیند، و فقیران و خرقه‌پوشان مانند: سلمان، ابوذر، صهیب، عمار و خباب را از خود دور کنند تا آنان خود در کنار پیامبر(ص) باشند؛ زیرا حضور این افراد و مجالست آنان با رسول خدا(ص)، مانع از شرکت ایشان در محضر پیامبر(ص) و همنشینی با حضرت می‌شد. با مطرح شدن این درخواست، این آیه نازل گردید: «واصبر نفسك مع الذين يدعون ربهم بالغدوة والعشي يريدون وجهه ولا تعد عيناك عنهم تريد زينة الحياة الدنيا ولا تطع من اغفلنا قلبه عن ذكرنا واتبع هواه و كان امره فرطاً» [کف/۲۸] (شکیبا ساز خویش را با آنان که پروردگار خود را صبحگاهان و شبانگاهان می‌خوانند و رضای او را می‌طلبند و یک لحظه از آنان چشم‌پوش که به زینتهای دنیا مایل شوی و هرگز از آنان که دل‌هایشان را از یاد خود غافل کردیم و تابع هوای نفس شدند و به تبهکاری پرداختند، متابعت مکن).

هرچند مسجد یک واحد اجتماعی کوچک است، ولی نماد یک جامعه اسلامی و نمونه‌عینی حاکمیت ارزشهای اسلامی به شمار می‌رود. بنابراین، تحقق ارزشهایی از قبیل تقوا، علم، جهاد برادری، مساوات و عدالت، باید از مسجد آغاز شود.

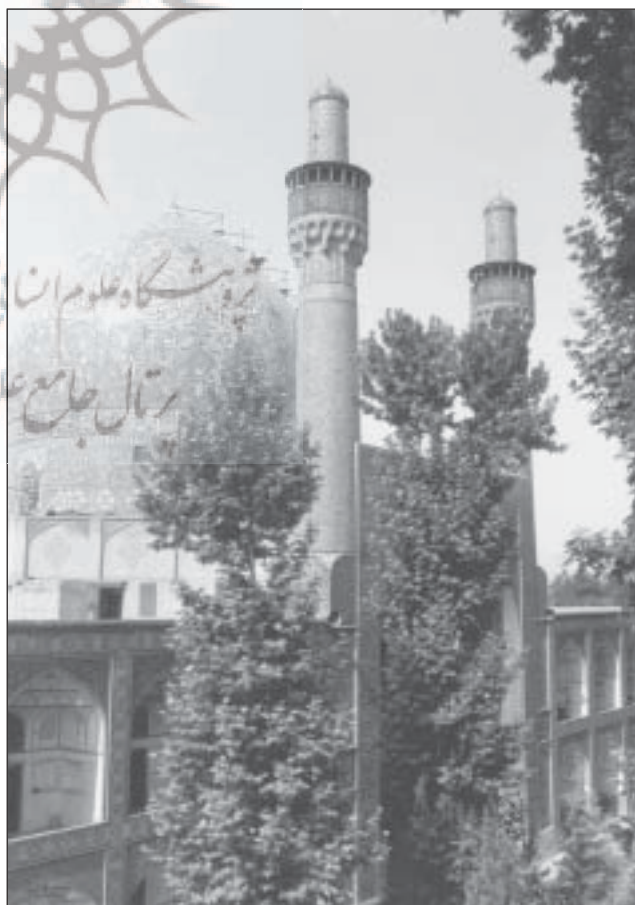
از دیگر جنبه‌هایی که به نقش مسجد در زمینه‌های اجتماعی و سیاسی مربوط می‌شود، نقشی است که این نهاد مقدس در گسترش عدالت در ابعاد گوناگون آن، و مبارزه با ظلم و بیعدالتی ایفا می‌کند. از هنگامی که پیامبر(ص) مسجد را بنا نهادند، همواره ستمدیدگان به مسجد پناه می‌آوردند، و داد مظلومان از ظالمان در مسجد ستانده می‌شد. قضاوت‌های امیرالمؤمنین(ع) در «دکة القضاء» مسجد کوفه، در امتداد همین نقش مسجد بود.

در بعد عدالت اجتماعی، مسجد همواره کانون مبارزه با ستم و بیعدالتی بوده است. به عنوان نمونه، می‌توان به خطبه آتشین فاطمه زهرا(س)، که در دفاع از مقام ولایت و مبارزه با ستم بر اهل بیت پیامبر(ص) در مسجدالنبی ایراد شد، اشاره کرد.

در دوران انقلاب اسلامی، مردم ایران علیه نظام ستمشاهی، جلوه‌هایی از نقش مسجد را در بعد ستم‌ستیزی، آشکارا مشاهده کردند؛ تا آنجا که می‌توان انقلاب اسلامی ایران را «فرزند مسجد» برشمرد. اکنون، جلوه‌هایی از همین مبارزات مقدس را در برخی از کشورهای اسلامی شاهدیم.

از دیگر نقشهای اجتماعی و سیاسی مسجد، می‌توان کارکرد مسجد را در پرورش نیروهای متعهدی دانست که حکومت اسلامی به آنان نیاز دارد؛ زیرا مسجد بار هدایت فکری و تربیتی نیروهای جامعه را بر دوش دارد. در سایه رفت و آمد به مسجد، اخلاق، آداب و منشهای افراد تا حد زیادی هویدا می‌شود. این شناسایی در روابط افراد با یکدیگر، سازنده و مؤثر است. حاکمیت اسلامی نیز می‌تواند از این رهگذر، نیروهای متعهد و مورد نیاز خود را بشناسد.

مسجد، بستر مناسبی برای تحقق امر به معروف و نهی از



مدرسه چهارباغ، اصفهان





مناره ملویه، مسجد جامع سامرا، عراق

انفسهم بالكفر اولئك حبطت اعمالهم و فی النار هم خالدون»  
[توبه/۱۷]؛ (مشرکان را نشاید که به آبادانی مساجد پردازند، در  
حالی که خود بر کفر خویشتن گواهی می دهند. اعمال آنها بی ثمر  
است و ایشان در دوزخ جاودانه خواهند بود).

۳. «انما يعمر مساجد الله من آمن بالله و اليوم الآخر . . .»  
[توبه/۱۸]؛ (مساجد الهی را فقط کسی آباد می کند که ایمان به خدا  
و روز قیامت آورد و نماز را به پا دارد و زکات را پردازد و از  
چیزی جز خدا نترسد. امید است چنین گروهی هدایت یابند).  
منظور از آباد ساختن مساجد، صرفاً آبادی ساختمان نیست،  
بلکه به معنای اجتماع و شرکت در مسجد نیز است. بنابراین،  
مشرکان نه حق شرکت در مساجد را دارند، و نه حق تعمیر و  
بنای ساختمان آنها را. عمران مسجد به هر شکلی که باشد، باید  
به دست مسلمانان انجام گیرد. البته، متولیان و پاسداران مساجد  
نیز باید از میان پاکترین افراد انتخاب شوند. باید دستهای ناپاک  
را از تمام این مراکز مقدس کوتاه کرد.

از روزی که گروهی از زمامداران جبار یا ثروتمندان آلوده و  
گنهکار دست به ساخت مساجد و مراکز اسلامی زدند، روح  
معنویت و برنامه های سازنده در آنها مسخ شد. از این رو، می بینیم  
بسیاری از این گونه مساجد، در کشورهای اسلامی، شکل مسجد  
ضرار به خود گرفته است؛ ساختمانهایی عظیم و باشکوه و دارای  
جلوه های ظاهری و زیبا، اما درون تهی و بیروح.  
ممکن است بعضی بگویند؛ چه مانعی دارد که از سرمایه های

منکر می باشد؛ زیرا مرکز حضور و تجمع نیروهای زبده و برگزیده  
است: «لا یأتی المسجد من کل قبیلة الا وافدها و من کل اهل  
بیت الا نجیبها».

مسجد، پایگاه جوانمردانی است که در برابر تعرض به مقدسات  
دینی برمی آسوبند، و عرصه را بر متجاوزان به حریم دین تنگ  
می کنند. مسجد، جایگاه گردآمدن فرزندان مکتب است؛ آنان  
که با یک دست قرآن و با دستی دیگر سلاح برگرفته اند. این  
حضور، نشان قدرت و عزت اسلام و مسلمانان است و سبب  
می شود تا خیره سران نتوانند به حریم دین تجاوز کنند.

از سوی دیگر، در سایه تجمع و انسجامی که مؤمنان در  
مسجد می یابند، می توان بهترین شکل مردمی را برای مبارزه با  
منکرات و مفسد اجتماعی پی ریزی نمود. جامعه ای که در راه  
تحقق ارزشهای اسلامی گام برمی دارد، هیچ گاه از دستبرد و  
تجاوز دشمنان دین ایمن نمی ماند: «ولا یزالون یقاتلونکم حتی  
یردکم عن دینکم» [بقره/۲۱۷] (کافران همواره با شما می جنگند  
تا آنگاه که شما را از دینتان برگردانند).

همچنین در جهاد اسلامی، رسیدن به پیروزی، همواره در  
گرو برخورداری از نیروهای رزمنده، مؤمن، معتقد و مکتبی  
است. مسجد در این زمینه، نقشی حیاتی ایفا می کند؛ زیرا در  
حقیقت، رزمندگان مدافع اسلام، پرورش یافتگان مساجدند.  
دست پرورده مسجد گاه چنان به بار می نشیند، که حتی مربیان  
خود را دچار شگفتی می کند. آنان در نهایت، خار چشم دشمنان  
دین، و مایه عزت و آبروی مسلمانان می شوند. خداوند متعال  
ستم ستیزی این گونه مسلمانان پارسا و جهادگر را چنین نشان  
می دهد: «و مثلهم فی الانجیل کزرع اخرج شطئه فازه فاستغلظ  
فاستوی علی سوقه یعجب الزراع لیغیظ بهم الکفار» [فتح/۲۹] (و  
مثل آنان (پیروان راستین پیامبر(ص)) در انجیل، همچون نهالی  
است که جوانه خویش را از زمین بیرون می آورد، پس نیرومند و  
استوار می شود و بر پای خویش می ایستد؛ کشاورزان را به تعجب  
می اندازد تا آنکه به سبب آنان، کافران را به خشم آورند).

در دوران ما نیز بوستان مسجد، چنین گلهایی پرورد. امام  
خمینی(ره) درباره آنان فرمود: «شما ما را با فداکاریها و خدمتتان،  
خجل کردید. شما حجت را بر ما تمام کردید. شما با کارهای  
خودتان، سبب مباهات و افتخار پیامبر اکرم(ص) شده اید. شما  
امام زمان (عج) را روسفید کردید. شما در پیشگاه خداوند متعال،  
مقامی دارید که ما باید به شما غبطه ببریم».

## جایگاه مسجد در متون اسلامی

### الف: آیات

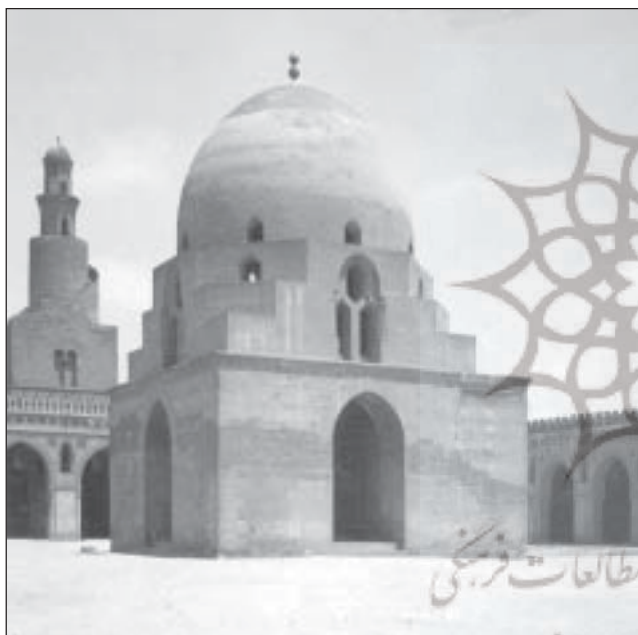
۱. «قل امر ربی بالقسط و اقیموا وجوهکم عند کل مسجد و  
ادعوه مخلصین له الدین كما بدأکم تَعُودُونَ» [اعراف/۲۹] (بگو:  
پروردگارم به عدالت فرمان داده است و توجه خویش را در هر  
مسجد (و به هنگام عبادت) به سوی او کنید و او را بخوانید در  
حالی که دین خود را برای او خالص می گردانید. همان گونه که  
شما را آفرید، بازمی گردید).

۲. «ما کان للمشرکین ان یعمروا مساجد الله شاهدین علی

فخر رازی دربارهٔ ارتباط زکات و عمارت مسجد می‌نویسد: «اعتبار اقامهٔ نماز و پرداخت زکات در عمران و آبادی مسجد، گویی دلالت دارد بر اینکه آبادی مسجد، به حضور در آن است؛ زیرا وقتی انسان نمازگزار باشد، در مسجد حضور به هم می‌رساند و مسجد را رونق و آبادی می‌بخشد. و وقتی زکات دهنده باشد، طوایف فقرا و مساکین برای دریافت زکات، به مسجد روی می‌آورند و بدین وسیله، مسجد آباد می‌گردد».

آیه دیگری که درباره مسجد در قرآن ذکر شده، این آیه است:

«و من اظلم ممن منع مساجد الله ان یذكر فیها اسمه و سعی فی خرابها اولئک ما کان لهم ان یدخلوها الا خائفین لهم فی الدنیا خزی و فی الآخرة عذاب عظیم» [بقره/۱۱۴] (و چه کسی ستمکارتر از کسانی است که از بردن نام خدا در مساجد او جلوگیری می‌کنند و سعی در ویرانی آنها دارند. شایسته نیست آنان جز با ترس و وحشت وارد آنها شوند. و بهرهٔ آنان در دنیا رسوایی و در سرای دیگر عذاب عظیم است).



مسجد ابن طولون، قاهره، مصر

این آیه، مصداق کامل عمل نظام ستمشاهی و عمال جیره خوار او بود که در دوران انقلاب و پیش از آن با شیوه‌های گوناگون، سعی در ممانعت از اجتماع مردم در مساجد داشتند و عملاً به تخریب باطنی آنها دست می‌زدند؛ چرا که تخریب و ویرانی مسجد، صرف از بین بردن ساختمان آن نیست. اگر مسجد دارای روح عبادت و فعالیت مذهبی نباشد، ویرانه‌ای بیش نیست. بر این اساس، خداوند متعال از کسانی که سعی دارند مانع عبادت در مساجد شوند و از بردن نام خدا و ایجاد ارتباط بین عبد و معبود در آنها جلوگیری کنند، به عنوان ستمکارترین مردم نام می‌برد. همچنین، خداوند به مؤمنان سفارش می‌کند که در مقابل این زورگوییها مقاومت نمایند؛ به طوری که دشمنان نه تنها مانع اعمالشان نگردند، بلکه در درون خود، ترس و دلهره‌ای را احساس کنند تا توان ورود به این مکان مقدس را

غیر مسلمانان، برای عمران و آبادی این مراکز استفاده کنیم؟ اما آنانی که چنین می‌گویند، توجه به این نکته اساسی ندارند که اسلام همه جا عمل صالح را میوهٔ درخت ایمان می‌شمرد. نیت‌های ناپاک ممکن نیست عمل پاکی به وجود آورد، و محصول مفیدی از خود نشان دهد.

جملهٔ: «لم یخش الا الله» در دنبالهٔ آیه، نشان می‌دهد که عمران، آبادی و نگهداری مساجد، جز در سایهٔ شهادت و شجاعت ممکن نیست. هنگامی این مراکز مقدس اسلامی به صورت کانونهای انسانسازی و کلاسهای عالی تربیت درمی‌آید، که بنیانگذاران و پاسداران شجاعی داشته باشد؛ کسانی که از هیچ کس جز خدا ترسند، تحت تأثیر هیچ مقام و قدرتی قرار نگیرند و برنامه‌ای جز برنامه‌های الهی در آن پیاده نکنند. آنچه امروز بیشتر اهمیت دارد، عمران و آبادی معنوی مساجد است. و به تعبیر دیگر، بیش از آنچه به ساختن مسجد اهمیت می‌دهیم، باید به ساختن افرادی که اهل مسجد و پاسداران مسجد و محافظان آنند، اهمیت بدهیم.

مسجد باید کانونی باشد برای هرگونه حرکت و جنبش سازنده اسلامی، در زمینهٔ آگاهی و بیداری مردم، پاکسازی محیط و آماده ساختن مسلمانان برای دفاع از میراث‌های اسلام. همچنین، باید توجه داشت که مسجد مرکزی برای جوانان با ایمان شود. در ذیل آیات ۱۷ و ۱۸ سورهٔ توبه، تفسیر کاشف می‌نویسد: «... به اینسان می‌بینیم از آغاز، چگونه مسجد پیوندی ناگسستنی با عبادت، فرهنگ، اقتصاد و سیاست دارد، و چگونه با این آیات، ولایت مشرکان را بر مسجد الحرام لغو می‌کند، و اجازه نمی‌دهد سیاست را از اسلام و مسجد جدا سازند، و اداره و عمارت مسجد و سقایت حجاج را مشرکان به دست گیرند؛ بلکه باید عمارت و ولایت مساجد خدا، به دست افراد با ایمان و متعهد و عامل به دستورهای اسلام - بویژه نماز، زکات - باشد و آنها جز از خدا، از کسی ترسند. با این آیات، از زمان پیامبر (ص) مسجد به صورت کانون عبادی - سیاسی درآمد».

دربارهٔ آیه: «انما یعمر مساجدالله...» آمده است که مساجد خدا را فقط کسانی آباد می‌کنند، که ایمان به خدا دارند. بعضی عمران مساجد را به بنای ساختمان، بعضی به اجتماع و رونق دادن آن، و بعضی به هردو معنای آن می‌دانند.

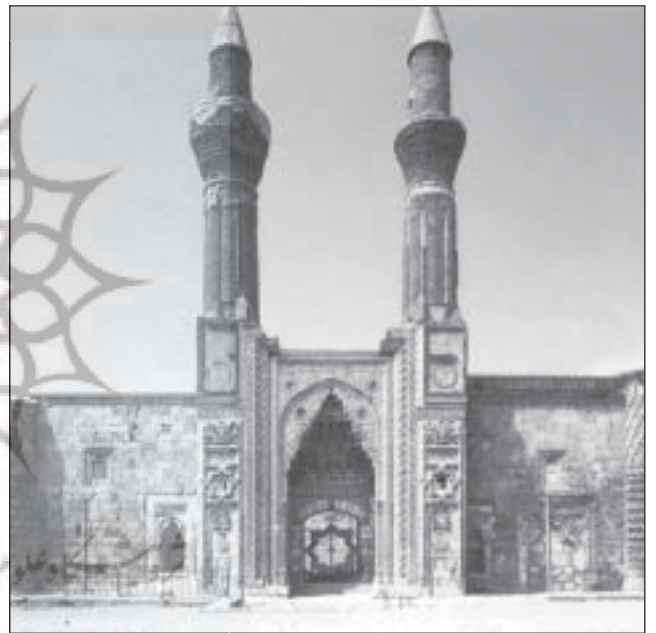
آباد کردن مسجد، فقط روی هم گذاشتن سنگ و آجر نیست، زیرا این کار را طاغوتیان بهتر انجام می‌دهند؛ بلکه ساختن با اخلاص، رونق دادن آن با حضور، اجتماع نمازگزاران، زکات دادن و آن را محراب قرار دادن برای مبارزه با شیطان نفس و دشمنان خدا، مراد است.

عرفا گفته‌اند: «مساجد اعضای بنده است که به وقت سجود، بر زمین نهاده، عمارتش آن است که آن را به ادب شرع دارند، و به زیور حرمت بیاریند، و هرگز پیش مخلوق از بهر دنیا بر زمین نهند، و جز خدای - جل جلاله - را استحقاق سجود ندانند».

نداشته باشند. این جزای دنیایی آنان است، که چنین خوار و رسوا شوند. البته، خداوند متعال در قیامت به عذاب عظیم گرفتارشان خواهد کرد.

این آیه شریفه، بروشنی نقشی را که مساجد می‌توانند در تربیت اجتماعی، سیاسی و دینی مردم مسلمان داشته باشند، بیان می‌دارد.

«والذین اتخذوا مسجداً ضراراً و کفراً و تفریقاً بین المؤمنین و ارساداً لمن حارب الله و رسوله من قبل و لیحلفن ان اردنا الا الحسنی و الله یشهد انهم لکاذبون لاتقم فیه ایداً لمسجد اُسس علی التقوی من اول یوم احق ان تقوم فیه، فیه رجال یجبون ان یتطهروا و الله یحب المطهرین» [توبه/ ۱۰۷ - ۱۰۸] (گروهی دیگر از آنان، کسانی هستند که مسجدی ساختند برای زیان رساندن به مسلمانان و تقویت کفر و تفرقه میان مؤمنان و کمین‌گاه برای کسی که با خدا و پیامبرش از پیش مبارزه کرده بود. آنان سوگند یاد می‌کنند که قصدی جز نیکی نداشتیم، و خداوند گواهی



مدرسه گوک، سیواس، ترکیه

می‌دهد که آنان دروغ می‌گویند. هرگز در آن مسجد (ضرار) قیام (اقامه نماز و عبادت) مکن. همانا مسجدی که از روز نخست بر پایه تقوا بنا شده، شایسته‌تر است که در آن قیام کنی، در آن مردانی هستند که دوست دارند پاکیزه باشند و خداوند پاکیزگان را دوست دارد).

#### ب: روایات

قطب رواندی در کتاب لب اللباب، از پیامبر اکرم (ص) نقل می‌کند: «من احب الله فلیحبنی، و من احبنی فلیحب عترتی، انی تارک فیکم الثقلین، کتاب الله و عترتی، و من احب عترتی، فلیحب القرآن، و من احب القرآن فلیحب المساجد فانها افنیة الله و ابنیة، اذن فی رفعها و بارک فیها، میمونه، میمون اهلها مزینة، مزین اهلها، محفوظة اهلها، هم فی صلوتهم، والله فی حوائجهم

هم فی مساجدهم والله من ورائهم» (کسی که خدا را دوست دارد، قطعاً باید مرا دوست بدارد، و آن که مرا دوست بدارد، باید خاندان و اهل بیت مرا نیز دوست داشته باشد. من در میان شما، دو چیز گرانسنگ باقی می‌گذارم: کتاب خدا و اهل بیتم. و هر که اهل بیت مرا دوست بدارد، پس قرآن را باید دوست داشته باشد و هر که دوستدار قرآن باشد، مساجد را باید دوست بدارد؛ چرا که مساجد درگاهها و خانه‌های خداست. در مرتفع ساختن آنها اذن داده شده و خدا در آنها برکت قرار داده است. اهل مسجد، مبارک، محترم، آراسته و از خطرات در امانند. آنان در نمازند، و خداوند در کار رفع نیاز آنان است. آنان در مسجدند، و خدای بزرگ بر آنان ناظر و محیط است). همچنین، رسول خدا (ص) فرمودند: «بهترین مردم کسانی‌اند که پیش از همه به مسجد داخل می‌گردند، و آخر از همه از مسجد خارج می‌شوند».

در دراللالی نیز از آن حضرت (ص) نقل شده است: «هرگاه گروهی در مسجدی از مساجد خدا به تلاوت کتاب خدا و فراگیری آن پردازند، قطعاً آرامش و رحمت خدا بر آنان نازل می‌شود و خداوند نام آنان را در زمره یاران خویش ثبت می‌کند. و هر که رفتارش او را در مسیر حق کند نماید، نسبتهای خویشاوندی اش نمی‌تواند به او سرعت بخشد».

حضرت علی (ع) می‌فرمایند: «کسی که به مسجد می‌رود، به یکی از هشت چیز می‌رسد: دوستی که در راه خدا از او استفاده می‌کند، دانشی که نکته آموزنده‌ای به او می‌دهد، آیه‌ای از آیات الهی را فرامی‌گیرد، کلمه‌ای می‌شنود که موجب هدایت او می‌گردد، رحمتی به او می‌رسد، کلمه‌ای فرامی‌گیرد که او را از شک بازمی‌دارد، و گناهی را به دلیل ترس یا شرم ترک می‌کند».

پیامبر (ص) خطاب به ابوذر می‌فرمایند: «ای ابوذر، هر کس برای خدا بر قطعه‌ای از زمین سجده کند، آن زمین در روز قیامت به نفع وی گواهی خواهد داد. هر گروهی که در مکانی فرود می‌آیند (چنانچه نیکوکار باشند)، آن مکان بر آنان درود می‌فرستد. و (چنانچه) گنهکار باشند، آنان را نفرین و سرزنش می‌کند. ای ابوذر، بخشهای زمین، هر صبح و شام با یکدیگر به گفتگو می‌پردازند. یکی به دیگری می‌گوید: ای همسایه، آیا امروز با کسی که به یاد خداوند باشد یا بنده‌ای که پیشانی اش را برای سجده بر تو نهد، برخورد داشته‌ای؟ پاسخ برخی مثبت است، و برخی منفی. بخشهایی از زمین که با چنین انسانهایی روبه رو شده‌اند، به شور و وجد می‌آیند و احساس شادی می‌کنند. آنان این موفقیت را که چنین انسانهایی بر آنان عبور کرده‌اند، برای خود فضیلت و امتیازی بر همسایه به شمار می‌آورند».

امام صادق (ع) می‌فرمایند: «کسی که به سوی مسجد گام برمی‌دارد، بر هیچ خشک و تری پا نمی‌نهد جز آنکه از زمین اول تا هفتم برای او تسبیح می‌گویند».

شاید، مقصود این حدیث آن است که زمین، چون مؤمن مسجدی را می‌شناسد، او را ثنا و ستایش می‌کند. شاید هم



دارد و برای آن احکام خاصی وضع شده است. مسجد جایگاه ارشاد و تبلیغ مسائل اسلامی است. پیامبر اکرم(ص) و سپس خلفا، ارشادات خود را در مسجد بیان می‌کردند، و مسلمانان برای آموزش مسائل دینی به مساجد روی می‌آوردند. بنابراین، مساجد در پی تغییر روحیات و خلیقات مردم بر اساس موازین اسلامی بودند. در نهایت، ساختار اجتماع در جهت هماهنگی با اصول اعتقاد اسلامی تغییر می‌کرد.

## ۲. مسجد کانون عبادی

یکی از ارکان اساسی ادیان الهی و بویژه اسلام، عبادت است. عبادت در معنای خاص آن، به معنای راز و نیاز با خداوند و نجوای با او است. جوهر و جان عبادت، حضور قلب و توجه دل به خداست.

بشر بر پایه فطرت خود، توحید و یگانگی خداوند را درک می‌کند و ذات پاک حق را از وابستگی به زمان یا مکانی خاص منزه می‌داند. با این حال، گویا گرایش فطری دیگری نیز او را وادار می‌کند تا در مکانی که انتساب بیشتری با خداوند دارد، او را پرستش نماید و با او راز و نیاز کند. جایگاهی که منسوب به خداست، بهتر می‌تواند بشر را از امواج دغدغه‌ها و اضطرابها دور کند، و به ساحل آرامش و اطمینان برساند.

## ۳. مسجد مرکز اجتماع

از آغاز اسلام، از مسجد علاوه بر وظایف دینی و الهی، استفاده‌های دیگری نیز شده است. این کار، حتی پیش از هجرت پیامبر اکرم(ص) از مکه به مدینه نیز صورت می‌گرفت. مردم برای بحث در مسائل روزانه و برای کارهای مهم دیگر، گرد کعبه جمع می‌شدند، و با پیامبر اسلام(ص) به بحث و گفتگو می‌پرداختند.



مسجد جامع قزوین

مقصود آن است که زمین، خداوند را تسبیح می‌گوید، ولی ثواب آن نصیب انسان مسجدی می‌شود.

در حدیثی از پیامبر(ع) آمده است: «مسجد همدمانی دارد، که فرشتگان خدا با آنان همنشین و مأنوسند. هرگاه اینان در مسجد حضور نیابند، فرشتگان سراغشان را می‌گیرند؛ به هنگام بیماری، از آنان عیادت و دلجویی می‌کنند؛ و در سختیها، به یاریشان می‌شتابند».

## ج: تاریخ اسلام

در اسلام، مسجد جایگاهی به وسعت یک مکتب جامع، زنده و متناسب با هدفها و آرمانهای یک رسالت جهانی، و ظرفیتی فراگیر و به فراخی همه انسانها و بشریت دارد.

اسلام، نظامی است که بر پایه ایمان به وحدانیت خداوند - عزوجل - بنا نهاده شده است. مسلمانان، امتی واحدند که نظام اسلامی آنان را بر اساس یک سوگند مشترک گرد هم آورده است. بدین روی، می‌توان گفت که مسجد، مرکز اسلام و خانه مسلمانان است، و رسول اکرم(ص) صاحب دعوت اسلامی و روشن‌کننده مشعل این وحدت به شمار می‌رود. پیامبر اسلام(ص) اولین کسی بودند که مسجد را با یک چهارچوب سیاسی، اجتماعی و فکری بنا کردند، و آن را مقر خویش قرار دادند تا اعراب از هر جای جزیره العرب یا خارج از آن، به زیارتش مشرف شوند، و درباره دین و دنیای خویش از وی سؤال کنند. دین اسلام تنها آیین نجات بخش و سعادت آفرین بشر است که در همه جنبه‌های زندگی، اعم از اعتقادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اخلاقی و اقتصادی، برنامه‌های جامع و کاملی تنظیم کرده، و همه را برای آموختن این درسها زیر چتر تعلیم و تربیت خود قرار داده است. از این رو، پیش از هر چیز، به کانونی پر جاذبه نیاز است که بتواند همه اقشار را به خود جذب کند و در خود جای دهد. بر این اساس، پیامبر گرامی اسلام(ص) در نخستین فرصتی که در راه دعوت به اسلام به دست آوردند، به تأسیس مسجد، به عنوان یک پایگاه مهم اجتماعی و تربیتی اسلام، اقدام کردند. ایشان در اولین قدم، در فاصله زمانی کوتاهی که قریب ۱۷ روز طول کشید، در بین راه هجرت به مدینه و در چند کیلومتری این شهر، اقدام به تأسیس مسجد قبا کردند و به تعلیم و تربیت مسلمانان پرداختند. پس از ورود به مدینه، اولین اقدام پیامبر(ص) ساختن مسجد مدینه بود. بر این اساس، هر روز که از عمر اسلام می‌گذرد و این دین آسمانی در دل‌های شایسته و پاک بیشتر نفوذ می‌کند، تعداد مساجد افزوده می‌شود. این موضوع، بیشتر به این دلیل است که همه معارف و مظاهر اسلامی، از مسجد سرچشمه می‌گیرد و در دنیای اسلام گسترده می‌شود.

## ۱. مسجد کانون مذهبی - اجتماعی

مسجد به عنوان خانه خدا، در فقه اسلامی جایگاه ویژه‌ای

با ساختن مسجد پیامبر(ص) در مدینه، استفاده از این مؤسسه جدید، به عنوان مرکز تجمع مردم، شروع شد. بزودی حضرت محمد(ص) و پیروان او، مسجد را به عنوان محل عبادت و مرکز تجمع خود درآوردند. این عقیده وقتی قطعی و واقعی به نظر می‌رسد، که می‌بینیم فعالیت‌های متعددی در مسجد انجام می‌گیرد. پیامبر(ص) به طور مرتب همراهان خود را در مسجد می‌دیدند، با آنان درباره مسائل دینی و دیگر مسائل گفتگو می‌کردند، برای جنگها نقشه می‌کشیدند، نمایندگان را به نقاط دور دست می‌فرستادند، و هدایای دولتها و قبایل را دریافت می‌کردند. در بیشتر اوقات چادرهایی در حیاط مسجد برای پذیرایی از مهمانان حضرت محمد(ص)، برپا می‌گردید.

مسجد به عنوان یک مرکز اجتماعی، از سه طریق: اجتماعی، سیاسی و آموزشی، به مراجعان خود خدمت می‌کرد. وسعت و شدت هر یک از این وظایف و نقشها، از محلی تا محل دیگر تفاوت داشت. این اختلاف، مربوط به مشخصات و کیفیات هر یک از آن نواحی بود.

مسجد به دلیل در دسترس بودن، محل مناسبی برای برگزاری مراسم گوناگون اجتماعی و مذهبی مسلمانان شد. حضرت محمد(ص) به گروهی از سوادان اجازه دادند که با سپر و نیزه، نمایشی در مسجد پیامبر(ص) اجرا کنند.

همچنین، تهیه موادی که برای تأمین آسایش لازم بود و خدمات دارویی و پزشکی برای اعضای مساجد، بویژه مساجد بزرگ، فراهم می‌شد. عبدالوهاب می‌نویسد که در سال ۷۰۷ ه. ق، زمانی که کار مسجد سلطان حسن در قاهره شروع شد، سلطان دستور داد تا یک گروه پزشکی شامل: یک پزشک عمومی، یک چشم‌پزشک و یک جراح، جزء کارمندان مسجد شود. این سه طبیب همه روزه در مسجد، دانشجویان و دیگر نیازمندان را معالجه می‌کردند.



مسجد جامع قیروان، تونس

#### ۴. مسجد و سیاست

از همان اوایل، مسجد علاوه بر محل تجمع مسلمانان، محل امور سیاسی آنان نیز بود. خواست پیامبر(ص) از ساختن مسجد هرچه بوده باشد، با پیشرفت اسلام، مسجد اهمیت بیشتری یافت، و مرکز سیاسی و مذهبی جامعه جدید شد. در مسجد، مؤمنان برای عبادت به دور پیامبر(ص) گرد می‌آمدند. ایشان سخنان خود را که شامل تسلیم شدن در برابر اراده خداوند و اصول مربوط به زندگی اجتماعی بود، بیان می‌کردند؛ امور مذهبی و سیاسی مسلمانان، به وسیله مسجد اداره می‌شد.

ارتباط بین مسجد و سیاست، به روشهای متعدد انجام می‌گرفت. یکی از آنها، این بود که پس از هر فتوحی، مسلمانان سعی می‌کردند مسجدی در وسط شهر و نزدیک محل اسکان حاکم شهر - که دارالاماره گفته می‌شد - بنا کنند. در بعضی شهرها، مسجد بقدری نزدیک به دارالاماره ساخته می‌شد، که دو ساختمان به یکدیگر ارتباط داشتند. این ارتباط نزدیک، نشاندهنده این واقعیت بود که حاکم شهر، مسئول مذهبی و سیاسی آن جامعه است. ساخت و جوهر اسلام، در این است که مذهب و سیاست از هم جدا نباشند. همانطور که یک نفر می‌تواند در دو زمینه فعالیت داشته باشد؛ هم حاکم باشد و هم رهبر مذهبی، یک ساختمان، مسجد، هم می‌تواند مرکز جلب مردم در امور سیاسی و مذهبی به شمار آید.

ارتباط مسجد با سیاست در این واقعیت نیز مشهود است که مسجد در زمان صلح یا جنگ، در خدمت جامعه بود. به قول یکی از نویسندگان، چون جنگ یکی از لازمه‌های ناگسستنی اوایل اسلام بود، مسجد نیز صحنه رویدادهای شبیه جنگ شده بود.

پیدرسن با استفاده از اطلاعات مورخان اولیه اسلام، می‌نویسد که نتیجه جنگها و برخوردهای نظامی، معمولاً در مساجد اعلام می‌شد. مشاوران جنگی در مسجد حضور داشتند، و دستورها و فرمانهایی که در باره جنگ صادر می‌شد، از طرف فرمانده نظامی یا حاکم اعلام می‌شد.

بعضی از مساجد از این لحاظ وضع بهتری داشتند. مسجد «تَنکِیز» (Tankiz) - که در سال ۷۱۷ ه. ق در دمشق ساخته شد - از طرف ترکان عثمانی و سپس از طرف فرانسویان، به عنوان دانشگاه نظامی استفاده شد. سالهای بزرگ مسجد به صورت کلاس درآمد، و از آنها به عنوان خوابگاه نیز استفاده می‌شد.

ماهر می‌نویسد: «موقعی می‌توان به نقش سیاسی در جامعه اسلامی پی برد، که بدانیم نام «خلیفه» در مراسم نماز جمعه، نشانه ادامه قدرت و حکومت او، و حذف نام او از خطبه‌های نماز جمعه، به مفهوم مرگ، کناره‌گیری یا از کار برکنار شدن خلیفه بوده است».

تنبیه و گوشمالی نیز گاهی از طرف خلیفه و عمال او، در مسجد انجام می‌گرفت. و در کارهایی از این نوع، تنبیه جنبه رسمی به خود می‌گرفت.

مبلغان ماهر به نام «داعیان»، در بعضی از مساجد استخدام



هفته در مسجد جامع می نشستند و میان مردم قضاوت می کردند.

دائرة المعارف اسلام از کار قضاوت در مساجد، به عنوان فعالیت سیاسی نام می برد و می نویسد: «این واقعیت که از مسجد به عنوان دادگاه قضاوت استفاده می شد، نشاندهنده فعالیت‌های سیاسی مسجد، بود؛ زیرا از ابتدا، در جامعه مسلمانان، صدور رأی به طریق حکمیت، از وظایف حاکم به شمار می آمد. و چون بنیانگذار اسلام، حضرت محمد(ص)، بیشتر اختلافات را در مسجد حل و فصل می کردند، بنابراین، انجام دادن اینگونه امور، در مسجد پیش از تشکیل دادگاههای معمولی، از کارهای عادی بود».

#### ۷. مسجد مرکز آموزش

مساجد، نهادهای اساسی آموزش در زمینه های: قرآن، احکام و اخلاق، و علمی همچون: کلام و فقه بوده اند. در پیوند با همین نقش آموزشی، بتدریج مساجد عهده دار کتابخانه های عظیم و پروتقی شدند که در برخی از شهرهای ایران امروز نیز وجود دارد.

مساجد محل پرورش استادان بزرگی بودند که بعدها، خود از علما و مدرسان بنام اسلام شدند. طی قرن‌ها که تمدن اسلامی سیر نزولی خود را طی می کرد، مساجد دیگر به عنوان یک نهاد اسلامی، نقشها و کارکردهای مذکور را ایفا نمی کرد. با توجه به تحولاتی که در اروپا رخ داده بود و در آن کلیسا صرفاً نقش عبادی داشت، در بازتاب این تحول فکری بر جوامع اسلامی، در کشورهای اسلامی نیز مساجد از نقش اصلی خود تهی گردید، و فقط به بعد عبادی آن توجه شد.

#### ۸. مسجد و دانشگاه

مسجد در گذشته، همان نقشی را داشت، که دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی کنونی دارند. بزرگان علما - که مسلمانان به آنان مباحثات می کنند - حیات علمی خود را در رواقهای مساجد سپری می کردند، و آنگاه که بهره کافی کسب می نمودند حلقه های درس تشکیل می دادند. از این رو، می توان گفت که مساجد مسلمانان در هیچ روزی، از حلقه های درس علما و طلاب خالی نبود.

از جمله این مساجد، مسجد جامع القرویین، جامع الازهر و جامع عتیق است.

به طور کلی، نقش نیرومند مسجد در فرهنگ، اقتصاد، سیاست و وحدت مسلمانان، بر کسی پوشیده نیست.

مارسل بوازار در کتاب «L, Humanisme de L, Islam» در بخش «اسلام در جهان امروز»، در این باره می نویسد: «مسجد، عامل نیرومندی در همبستگی و اتحاد مسلمانان جهان است و اهمیت اجتماعی و فرهنگی آن را از این بابت، نمی توان نادیده گرفت؛ بویژه در روزگار معاصر که مسلمانان شور و حرارت صدر اسلام را دوباره از خود نشان می دهند، مساجد به صورت مراکز تربیت روحانی و پایگاه جنبش امت مسلمانان

شده بودند تا درباره صفات مذهبی و سیاسی حکام وقت سخنرانی کنند.

توفیق، نویسنده عرب، در این باره می نویسد: «در زمان سلطنت الحاکم (۳۸۶ - ۴۱۱ ه. ق)، مبلغان استخدام می شدند تا در جامع الازهر به تبلیغ سلسله فاطمی بپردازند».

این اختلاف عقاید، نتایج برخورد شدید بین گروههای مخالف بود. خلیفه عباسی، المقتدر، دستور داده بود که مسجد بران، واقع در بغداد، خراب و از بین برده شود. این دستور به این دلیل صادر شده بود که شیعیان بغداد در آن مسجد، علیه خلیفه مطالبی گفته بودند.

#### ۵. مسجد محل بیت المال مسلمانان

مسجد در صدر اسلام و سپس در زمانهای بعد، مکانی برای حفظ خزانه مملکت اسلامی بود. در کتب تاریخ اسلامی، به جایی در مسجد به نام «بیت المال» اشاره شده است، که خلفا ثروت نقدی عمومی را که از طریق زکات و مالیات اسلامی و غنایم جنگی به دست می آمد، در آنجا جمع و حفظ می کردند. مقریزی در کتاب خطط، درباره مسجد جامعی که عمرو بن عاص در فسطاط مصر بنا کرد، می گوید: «بیت المال مسلمانان در بالای فواره در مسجد جامع قرار داشت، که آن را اسامه بن زید تنوخی، متولی مصر در سال ۹۷۰ ه. ق، بنا کرد. در آن زمان، امیر مصر، عبدالملک بن رفاعه الفهمی بود».

ابن رسته، از علمای قرن سوم هجری، در وصف بیت المال مذکور در کتاب الاعلاق النفیسة گفته است: «این مکان، شبیه قبه ای بود که درهایی از آهن داشت، و در سمت جلوی منبر قرار گرفته بود».

مسجد جامع ابن طولون - که در سال ۲۶۳ ه. ق در قاهره ساخته شد - پس از عشا و به دستور ابن طولون، قفل و بسته می شد؛ زیرا بیت المال در آن قرار داشت.

این مسئله که خزانه دولت یا بیت المال در مسجد جامع شهر نگهداری می شد، نشانگر ارتباط محکم بین مذهب و سیاست بود. بیشتر صاحب نظران معتقدند که این رسم، از زمانهای اول حکومت خلفا شروع شد. آنان مسجد را محل امنی برای نگهداری ثروت ملی می دانستند.

ماهر می گوید: خزانه شهر دمشق برای مدتی، در مسجد اموی نگهداری می شد.

پیدرسن می نویسد که در فلسطین، خزانه هر شهر در مسجد جامع آن شهر نگهداری می شد.

#### ۶. مسجد و قضاوت

«المسجد قصر العدل» تعبیری است که طه ولی در کتاب المساجد فی الاسلام به کار برده است.

علی (ع)، امیر مؤمنان و خلیفه رسول الله(ص)، ایام معینی از



مسجد براثا، بغداد، عراق

به همین دلیل، مراکز اجتماعات دینی برای مسلمانان، در حکم قدیمترین مراکز تعلیمی هم بوده است. حتی اگر بخواهیم از مدارس کهن کشورهای اسلامی بگوییم، باید به مساجد توجه کنیم. پس از آن هم که ساختن مدرسه برای تعلیم علوم شرعی معمول شد، معماری مخصوص مساجد در آنها تأثیر گذاشت. باید در نظر داشت که پس از ایجاد و توسعه مدارس، مساجد نیز مانند سابق، جنبه تربیتی و تعلیمی خود را حفظ کردند. علت اساسی آنکه مساجد به شکل مراکز آموزشی درآمدند، تعلیم علوم شرعی بود. بنابراین، در درجه نخست، علم قرائت قرآن، تفسیر، حدیث و فقه در مساجد و همچنین تعلیم زبان و ادب عربی، مورد توجه بود.

#### الف: مساجد دانشگاهی کهن

مسجد النبی، که همزمان با هجرت رسول خدا(ص) به مدینه بنیاد شد، کهنترین دانشگاه اسلامی و پایگاه اساسیترین تعلیمات در تاریخ آموزش اسلامی به شمار می رود. با توجه به اینکه در مسجد مدینه، حلقه های درس با شرکت پیامبر(ص) تشکیل می شد، محافل ادبی با حضور ایشان تشریف می یافت، و مسائل: حقوقی، سیاسی، فقهی و نظامی با هدایت و راهبردی آن حضرت، بحث و بررسی می شد. با اطمینان می توان گفت که شالوده تعلیمات عالی، در زمان حیات بنیانگذار اسلام ریخته شد.

در مقابل ستمگران و سلطه جویان درآمده است. اندک اندک، مساجد موقعیت سالهای نخستین ظهور اسلام را به دست آورده اند. تأسیس کتابخانه ها و تالار اجتماعات در درون مساجد، این حقیقت را آشکار می سازد که مساجد در اسلام بدان گونه که بعضی پنداشته اند، منحصرأ برای ادای فریضه نماز نیست و یقیناً یکی از مراکز سیاسی و فرهنگی مهم اسلام است. اقامه نماز جمعه، وسیله ای است برای گردهمایی مسلمانان در روز تعطیل، طرح مسائل مهم اجتماعی، بحث و گفتگو در باب کمبودهای رفاهی همچون: بهداشت و مسکن، تصمیم گیریهای سیاسی، مسائل حرفه ای و غیر آن. در حقیقت، برپایی نماز جمعه به کار گرفتن عبادت خداوند در راه خدمت به امت است. گردهمایی جمعه، بویژه در سالهای اخیر، در ممالک آزادشده از سوی اسلام، تأثیر و کارایی بسیاری داشته است. در این سالها، با توجه به تفرقه و پراکندگی سیاسی مردم، گردهمایی مسلمانان ناخشنود از حکومتهای ستمگر فاسد، در درون همین مساجد طرح قیام عمومی و مبارزه علیه ستمگران را ریخته، و تزلزلی در ارکان فرمانروایی دست نشانندگان استعمار غرب پدید آورده است؛ کاری که احزاب و گروههای سیاسی مخالف در ممالک غرب، از انجام دادن آن هنوز ناتوانند.

امام خمینی(ره)، بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، در زمینه نقش مسجد در صدر اسلام، بیاناتی دارند:

«در صدر اسلام، همان مسجدی که عالم در آن بود، همان مسجد، هم، ارتشی بود و سردارهای سپاه هم همانجا بودند و با هم نماز می خواندند و با هم عبادت می کردند و با هم جنگ هم می کردند».

«در صدر اسلام، مساجد، محافل و نمازها، جنبه سیاسی داشته است. از مسجد راه می انداختند لشکر را، به جنگی که باید بکنند و به آنجایی که باید بفرستند. از مسجد، مسائل سیاسی طرحریزی می شد. . . . مع الاسف، مساجد را ما کاری کردیم که بکلی از مصالح مسلمین دور شد و با دست ما، آن طرحهایی که برای ما ریخته بودند، پیاده شد».

«ارتش اسلام هرجا رفته است و سردارهای اسلام هرجا پا گذاشتند، همانجایی که پا گذاشتند، اول مسجد درست کردند. وقتی به قاهره رسیدند، اول خط کشیدند برای مسجد. و هرجا این طور بود، مسجد مطرح بود، معبد مطرح بود و ارتش اسلام برای آبادکردن مساجد، محراب، کوشش می کردند».

«اسلام مساجد را سنگر قرار داد، وسیله از باب اینکه از همین مساجد، از همین جمعیتها و جماعت. . . همه اموری که اسلام را به پیش می برد و قیام را به پیش می برد، مهیا باشد».

#### آموزش در مساجد

مسلمانان در نخستین قرنهای هجری، بیش از هرچیز، به بحث و تحقیق درباره قرآن، احادیث و زبان و فرهنگ عربی - که ملازم قطعی و دائمی دین بود - توجه داشتند. همه این کوششها فقط در راه تحکیم مبانی دین، و نشر و تعلیم آن انجام می گرفت.



مسجد امام خمینی، اصفهان

تا روزگار خلیفه دوم، که مرزهای اسلامی از حدود جزیره العرب فراتر نرفته بود، مسجدالنبی(ص) در مدینه و مسجدالحرام در مکه و گاهی نیز خانه اصحاب در آن دیار، مراکز فعال تعلیمات اسلام بود. در اواخر دهه دوم، با افزایش چشمگیر دامنه فتوح مسلمانان، مرزهای اسلام از سوی شرق و غرب گسترده شد و شمار بسیاری به آیین اسلام گراییدند، که در زبان و نژاد با اعراب مسلمان مغایرت داشتند. از این زمان، آموزش زبان عربی برای درک معانی آیات قرآن و تعالیم اسلام در سرزمینهای فتح شده، آغاز گردید. آن دسته از اصحاب پیامبر(ص) و تابعان ایشان که دعوت به اسلام و تعلیم مبانی دین را بر حضور در صحنه های پیکار ترجیح می دادند، در مساجد نو بنیاد به آموزش پرداختند. این مساجد ابتدا در شهرهای: کوفه، بصره، حیره و مدائن بنیاد گردید. به دستور خلیفه دوم، برخی از صحابه رسول الله(ص)، مأمور اقامه نماز و آموزش قرآن و مسائل دین شدند.

فاصله زمانی آغاز سده دوم تا پایان سده سوم هجری را می توان از درخشانترین دوره های تعلیمات مسجدی یا به عبارت دیگر، عصر فعالیت آموزشی دانشگاههای عمومی دانست. دستاوردهای مسلمانان در مسائل گوناگون علمی و فکری در این دوره از تاریخ اسلام و نیز آن قسمت از پیشرفتهای: اقتصادی، اجتماعی و عمرانی که پس از استیلای عباسیان به وجود آمد، تأثیر قابل ملاحظه ای در ایجاد هوشیاری و جنبش علمی در مساجد گذاشت. توجه دقیق به اجتماعات و تشکیل جلسات علمی در مساجد بزرگ و مشهور آن زمان و مجامع ممتاز و مناسبی که با شرکت متفکران و دست اندرکاران مسائل تعلیماتی در آن مراکز به وجود آمد، همه دلایل کافی و آشکاری بر میزان پویایی و باروری فکری و علمی قابل ملاحظه در آن دوره از تاریخ اسلام است.

در اینجا به معرفی مشهورترین مساجد آموزشی یا «مساجد دانشگاهی» می پردازیم:

### ۱. مسجد نبوی در مدینه

از نخستین مراکز علمی در تاریخ اسلام، مسجدالنبی(ص) است که به وسیله پیامبر(ص) و پس از هجرت آن حضرت به مدینه، در سال اول اقامت وی در آن شهر بنیاد شد. مسجدالنبی(ص) به مرور ایام و گذشت زمان، دستخوش پاره ای تحولات و اصلاحات شد تا سرانجام به صورت کنونی درآمد. پس از رحلت آن حضرت(ص)، بزرگان صحابه و سپس تابعان، در این مسجد به تدریس و تعلیم پرداختند. با آنهمه اعتبار و عظمتی که برای این مسجد فراهم شد، تدریس و بحث در زمینه مسائل دینی و علمی، حتی در زمان پیامبر(ص) نیز منحصر و محدود به این مسجد نبود. در خود مدینه مساجد دیگری - هرچند کوچکتر و محدودتر از مسجد بزرگ نبوی - فعالیت

آموزشی داشتند.

بنا به گفته سهیلی، در شهر مدینه علاوه بر مسجدالنبی(ص)، نه مسجد دیگر بود که در همه آنها با اذان بلال، اقامه نماز می شد. همچنین به گفته بکیر بن عبدالله بن شجع که داود و دارقطنی به ترتیب، در مراسیل و سنن خود آن را روایت کرده اند، از جمله آن نه مسجد، مسجد راتج، مسجد بنی عبدالاشهل، مسجد بنی عمرو بن مندول و مسجد جهینه و اسلم بود.

غزالی نیز در کتاب فاتحة العلوم چنین یاد کرده است: «مکحول گفته است: ده تن از اصحاب رسول خدا(ص) گفتند: ما در مسجد قبا سرگرم فراگیری دانش بودیم، که ناگهان پیامبر خدا(ص) در آنجا حضور یافتند و فرمودند: آنچه می خواهید، بیاموزید. و خدا شما را پاداش نهد، مگر آنکه به کار بندید، آنچه را که فرامی گیرید».

### ۲. مسجد الحرام در مکه

این مسجد، از مسجدالنبی(ص) در مدینه کهنتر است. اما فقط پس از فتح مکه در سال هشتم هجری، در زمینه اهداف و اغراض اسلامی از آن استفاده شد. همه دوران امویان و نیمه اول عصر عباسی، از درخشانترین مراحل تعلیماتی این دانشگاه بزرگ ملی بوده است. رازی به نقل از حمیدی گفته است: «بنابر مشهور، مجالس حلقه فتوا در مسجدالحرام به ترتیب به عبدالله بن عباس[د. ۶۸ ه. ق.]، و پس از وی به عطاء بن ابی رباح، و سپس به ابن جریج[ابو خالد] [د. ۱۴۹ ه. ق.]، بعد به مسلم بن خالد زنجی، آنگاه به سعید بن سالم قدام و پس از او به محمد بن ادریس شافعی [د. ۲۰۴ ه. ق] اختصاص داشت».

### ۳. مسجد جامع بصره

این مسجد در سال ۴۱ ه. ق به دست زیاد بن ابیه، عامل معاویه بن ابی سفیان بر بصره، نوسازی شد. نهضت معتزله، که



قرویین در فاس مراکش (نیمه اول قرن سوم)، جامع الازهر در مصر (نیمه دوم قرن چهارم)



مسجد جامع اموی، دمشق، سوریه

### ب: مساجد دانشگاهی در ایران

نمونه این مساجد دانشگاهی، در ایران اسلامی فراوان به چشم می خورد. ایرانیان در استفاده آموزشی از این مساجد، اگرچه فضل تقدم را از آن خود نساختند، اما بسیار سریع دست به کار شدند. در قرن اول هجری، مسجد آدینه سیستان ساخته شد، و حسن بصری در آن به آموزش پرداخت.

در اواخر همان قرن، مسجد جامع بخارا پای گرفت، و حلقه های درس در آن تشکیل شد. در قرنهای بعد، نمونه این مساجد در نیشابور، همدان، کرمان، یزد، قزوین، شیراز، اصفهان و حتی بخشها و شهرهای درجه دوم، چون بردسیر کرمان تأسیس شد، و عالمان و متعلمان از آنها استفاده کردند.

صاحب بن عباد می نویسد: «یکی از مراکز معتبر علمی - اسلامی در مرکز ایران، شهر تاریخی اصفهان است که چهره های درخشان تاریخی و ادبی و شخصیت های بارز علمی همچون: حمزه اصفهانی، ابن واضح یعقوبی، ابوالفرج اصفهانی، حافظ ابونعیم اصفهانی، راغب اصفهانی و وجود مساجد کهن و مراکز متعدد علمی، نام این شهر را از همان سده های نخستین اسلام در تاریخ فرهنگ تمدن اسلامی به عنوان «دارالعلم شرق» شهرت داده است».

نیشابور، یکی از مراکز مهم سیاسی و علمی خراسان، از این گونه مساجد بزرگ که در آموزش و پرورش از آنها استفاده می شد، فراوان داشت؛ مانند: جامع منیعی، مسجد مطرزی و مسجد قدیم.

در بردسیر کرمان، مسجد بزرگی به نام جامع تورانشاهی وجود داشت، و در آن کتابخانه ای با ۵ هزار جلد کتاب بنا شده بود. در یزد، علاءالدوله کالیجار، از امرای دوره سلجوقی، مسجدی داشت که به جامع قدیم یا مسجد قدیم جمعه شهرت داشت، و تا حدود قرن نهم مورد استفاده اهل علم بود.

استفاده از مساجد به عنوان دانشگاه و تشکیل کلاسهای درسی در زمینه های فقه، اصول، تفسیر و کلام، اکنون در حوزه های علمیه بزرگ و کوچک رایج است. و علاوه بر جنبه های علمی، جنبه های تربیتی و اخلاقی در آنها مد نظر استادان و طلاب است.

### منابع:

۱. فلسفی، محمدتقی، گفتار فلسفی، تهران، هیئت نشر معارف اسلامی، ۱۳۴۸
  ۲. قائمی، علی، شناخت، هدایت و تربیت جوانان، تهران، امیری، ۱۳۶۳
  ۳. کلینی، محمدبن یعقوب، اصول کافی
  ۴. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار
- عبدالرضا ضرابی، «نقش و عملکرد مسجد در تربیت»، معرفت، سال نهم، شماره اول، فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۹، صص ۷۱ - ۶۱

در جریانهای فکری و سیاسی عصر اول عباسی تأثیر بزرگ و قابل ملاحظه ای داشت، نخست در جامع بصره پدیدار شد.

### ۴. مسجد جامع کوفه

این مسجد در سال ۱۷ ه. ق، بنا نهاده شد. انتقال علی بن ابی طالب (ع) به کوفه و انتخاب این محل به عنوان مرکز حکومت اسلامی از سوی آن حضرت، در شکوفایی و جنبش علمی این مسجد تأثیری چشمگیر داشت. جامع کوفه پیوسته مسیر رشد و ترقی را پیمود تا در آغاز دولت عباسی، از مراکز مهم حل و عقد، و علوم و معارف اسلامی شد و با جامع بصره به رقابت برخاست. مسائل و مبادلات علمی و ادبی بین این مرکز دینی و ادبی اسلامی، در باروری علوم عربی به مقدار زیادی مؤثر افتاد.

استاد زکی (پاشا) دو دانشگاه بزرگ بصره و کوفه را از نظر روابط علمی و ادبی، رقابتها و آثار متبادلی که با یکدیگر داشتند، با دو دانشگاه بزرگ انگلیسی آکسفورد و کمبریج، همانند دانسته است.

### ۵. مسجد جامع فسطاط (جامع عمرو)

این مسجد بزرگ در سال ۲۱ ه. ق به وسیله عمرو بن عاص (د. ۴۲ ه. ق) بنیاد گردید. از همان روزهای نخست از این مسجد برای مسائل آموزشی استفاده و در طول حیات خود، مورد توجه و عنایت دولتهای طولونی، اخشیدی و فاطمی بود. روش آموزشی معمول در این مسجد، اغلب مبتنی بر مذهب شافعی بود.

مساجد دانشگاهی یا دانشگاههای عمومی و آزاد را تقریباً در همه سرزمینهای اسلامی می توان یافت. معروفترین آنها عبارتند از: جامع دمشق در شام (اواخر قرن اول)، جامع زیتونه در تونس (اوایل قرن دوم)، جامع منصور در بغداد (نیمه اول قرن دوم)، جامع اعظم قرطبه در اندلس (نیمه دوم قرن دوم)، جامع